

دوره جدید ■ شماره ۱ ■ صفحه ۸

ضمیمه روزنامه شماره ۸۷۶۷

سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

۱۸ شوال ۱۴۴۴ ■ ۹ می ۲۰۲۲

همشهری



بازی‌های قدیم شده فراموشی خاک‌های زیر ارزشمند

همه آنچه باید از چم و خم ۲۰۰ بازی بومی - محلی تهران بدانید



دختر ۲۲ ساله‌ای که شنبه‌ها را در کنار سالمندان آسایشگاه می‌گذراند

عزیز دل مادر بزرگ‌های کهریزک

بازی های محلی تهران در کشورهای همسایه



مهرشاد کاظمی
تهران پژوه

به تازگی تحقیق هایی را در زمینه بازی های بومی - محلی تهران شروع کرده ام. جالب اینجاست که بازی مثل غذا و بسیاری از فرهنگ های دیگر از جایی به جایی دیگر در حال گسترش است؛ مثلا شاید از «لی» به عنوان یکی از بازی های تهران برده شود، اما این بازی در کل کشور و حتی کشورهای همسایه، مانند ترکیه هم رواج دارد و دلیلش هم جابه جایی فرهنگ هاست. این جابه جایی ها حتی در محل اجرا هم تأثیر گذار بوده، به گونه ای که شمال پایتخت و به ویژه شمیرانات با توجه به نزدیکی اش به شهرهای شمالی و به خصوص مازندران، بازی های آن دوران را دارند که برای نمونه می توان به هفت سنگ، سه سنگ و سه گل و... اشاره کرد.

ورود بازی های جدید با مهاجران



داریوش شهبازی
تاریخ پژوه و تهران شناس

اکثر آدم ها حداقل یک تا ۲ بازی بومی و محلی در کودکی انجام داده اند. جمعیت تهران اوایل حکومت آغامحمدخان ۶۴ هزار نفر و در دوره ناصری ۱۵۰ هزار نفر بود. پس از آن هم اگر جمعیت افزایش پیدا کرد، دلیلش مهاجرت مردمی بوده که با خود آداب و رسومشان را به تهران آوردند. بازی ها هم جزو این موارد به شمار می آیند که هر قومی با ورودشان به پایتخت آنها را در محل سکونتشان اشاعه دادند. به عنوان نمونه، با ورود ساکنان استان مرکزی به شهر ک صاحب الزمان (ع) منطقه ۱۸ شاهد رونق بازی هایی مانند حمام کمرک، کمر بند بازی، خروس گیران، دست به چانه و... هستیم و در محدوده ای مانند سنگلج که افشاری ها حضور داشتند بازی هایی مانند توپ و کال گل کرد. اما اطلاعات اینکه این بازی ها خاص کدام منطقه و محدوده بوده در کتاب های تاریخی و دانشنامه ها چندان زیاد نیست.

تفاوت بازی های شمال و جنوب پایتخت



محمد رسول کلهر
محقق بازی های بومی - محلی

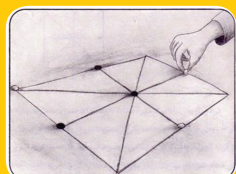
بیش از ۲ هزار و ۰۰۰ بازی در کشور وجود دارد که به شکل رسمی و غیر رسمی ثبت شده است. در این میان بازی های مانند قایم باشک و هفت سنگ با توجه به موقعیت مکانی تنوع دارند؛ به عنوان مثال ۲۰ نمونه هفت سنگ هست که حتی در محله های مختلف تهران شیوه اجرایش تفاوت دارد. همچنین از نظر نوع بازی ها، در محدوده کوهستانی و شمال تهران بازی هایی با سنگ بیشتر دیده می شود، اما در محدوده جنوبی تهران با توجه به وسعت زمین و سطح صاف، بازی های بدنی و استفاده از چوب، خاک و... بیشتر است. البته برخی از بازی ها در حال فراموشی هستند؛ در حالی که از بازی به عنوان زیر خاکی های ارزشمند نام برده می شود؛ حتی تعدادی از مسابقاتی که گاه در سطح بین المللی دیده می شوند، از دل بازی های بومی - محلی برخاسته اند؛ به عنوان مثال، چوگان نوعی بازی بود که این روزها رسمیت یافته است و در بسیاری از کشورها هم دنبال می شود یا مثلا کشتی از یک بازی گرفته شده است.

بازی؛ عاملی برای رفع کدورت ها



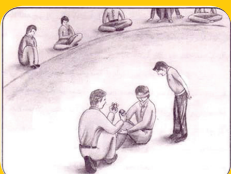
مهرشاد کاظمی
پژوهشگر و نویسنده کتاب بازی های بومی - محلی

در دوره ای که تحولات پرشتاب جهانی مانند جهانی سازی، شهرنشینی و تأثیرات رسانه ای منجر به شبیه شدن رفتارها و سبک زندگی، ناپودی تنوع های فرهنگی و حتی گرایش به تجاری کردن فرهنگ در میان اقوام و گروه های اجتماعی شده است، همیشه آیین هایی وجود دارند که فکر می کنیم باید آنها را برای فرزندمان حفظ کنیم تا باعث ایجاد حس تعلق شوند. بازی ها و ورزش های سنتی هم از جمله این رفتارهای بشری است که قابلیت زیادی برای ایجاد ارتباط و گفت و گو داشته و دارند و در بسیاری اوقات وسیله ای برای رفع کدورت ها یا ایجاد تعامل بین افراد و جوامع هستند؛ بنابراین نیاز به حفظ این میراث ناملموس فرهنگی وجود دارد؛ هر چند بازی ها مانند بسیاری از عناصر فرهنگی دائم در حال حرکت و انتشار در میان اقوام و دیگر گروه های اجتماعی هستند؛ به همین دلیل هم اختصاص و انحصار هر بازی به یک قوم، یا منطقه و حتی یک کشور امکان پذیر نیست و دیده می شود که بازی ای مثل «لی لی» در اکثر شهرها و از جمله تهران باب بوده است.



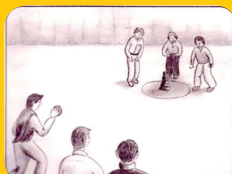
بازی ها در مهمانی ها

دورهمی های بانوان به بهانه هایی مانند مهمانی و عروسی عاملی برای انجام بازی بود؛ به گونه ای که در شهرری بازی خاله رو (خاله مومه) را داشتند و گروهی بازی می کردند یا بازی ای مانند «آب تو به باغ رفته بودی» در محدوده جنوب تهران در دورهمی ها وجود داشت. خاله غریبال (خاله دیکه بس)، آجینی نسا، یاسمن و نسترن از دیگر بازی های بومی تهران بود که توسط بانوان به شکل نمایشی اجرا می شد.



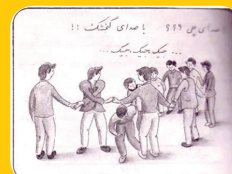
زمان بازی ها؟

بیشترین زمان بازی های بومی محلی برای بزرگسالان در وقت فراغت و کودکان در ساعات ناهنجارترین روز بود، اما برخی بازی ها هم روز خاصی داشتند. به عنوان مثال، بازی بادپیچ (تاب بازی) بیشتر نوروز، چهارشنبه سوری و سیزده بدر انجام می شد یا زمان بازی «بره غری» در منطقه بومی ده اتار وردیج شنبه ها و بازی ای مانند چشمک، شب ها بین نوجوانان و بزرگسالان در تهران متداول بود.



نوبت بازی؟ کی اوله؟

تعیین نوبت در بازی های بومی محلی تهران به «شویه بر تاب توپ» و استفاده از اصطلاحاتی مانند «گاو، گوساله و فینگلی» و «هاب هاب، شاپ شاپ» بوده است. در نوع اول توپ به طرف میدان بازی پرتاب می شد و هر کسی آن را می گرفت شروع بازی را در اختیار داشت. در نوع گاو، گوساله و فینگلی استاد از «قطعه سنگ استفاده می کرد و شعری می خواند و در هاب هاب ۲ نفر مقابل هم ایستاده و قدم به قدم به هم نزدیک می شدند تا به هم برسند.



کی پارکیه؟

شویه پارکیری در بازی های تهران با نام «من، من، توتو» نامگذاری می شود. در این بازی ها که تعدادشان به بیش از ۵ مورد می رسد، ۲ استاد بازی شروع به پارکیری می کنند. یکی از ۲ استاد می گوید: «من، من» استاد دیگر می گوید: «توتو، دوباره استاد اول می گوید: «کشیدم» استاد دیگر در جوابش می گوید: «کی؟» در اینجا استاد اول نام کسی را که انتخاب کرده می گوید. به این ترتیب ۲ استاد باران خود را انتخاب می کنند.

بازی های فراموش شده؛ زیر خاکی های ارزشمند

هفت سنگ، لی، لی، الک دولک، بشین و پاشو، تاب خمیر و... بازی هایی هستند که سال های نه چندان دور در تهران همه را دور هم جمع می کردند. بازی های تهران بالا و پایین داشت، برد و باخت داشت، دعا و گریه داشت، ولی آخر کار همگی به دوستی و رفاقت ختم می شد. تعداد بازی ها به بیش از ۱۰۰ رقم می رسید و هر کدام در گوشه ای از این شهر رونق بیشتری داشتند.

چوب ۴ بازی چوب دکشونی (الک دولک) و... تکه بازی روستا	خاک ۴ بازی طاق یا جفت، ریگی بازی و...	سنگ ۱۱ بازی اینجا بگذارم گریه می بره، تادوک و...	پارچه ۴ بازی عرقچینک و...	طناب ۲۱ بازی تاب بازی سه پایه و...	توپ ۷ بازی جال مال چرخک و...	کلاه ۱ بازی بردونگ کلاه	کمر بند ۴ بازی چو کتدم، حسن کمال و...	گردو ۴ بازی گردو شکم، گوش قینتلیک و...	غیره ۱۹ بازی از ابزارهایی مانند مسدال و...	وسپله بدون وسیله انجام می شد. ۳۳ بازی
--	--	---	--	---	---	--------------------------------------	--	---	---	---

منطقه یک شمیران

نوع بازی ها:

- تیله بازی
- هفت سنگ
- الک دولک
- یکگل دوقل

توپاره

- توق تکک
- محل بازی ها:**
- باغ ها و زمین های پهناور
- روستاها و کشتار و سنگان

دماوند

نوع بازی ها:

- گرچه خاله پیرزن
- قلعه بازی

نوع بازی:

- چوب دکشونی (الک دولک)
- محل بازی:**
- محدوده میدانی روستا

منطقه ۲ پونک و فرحزاد

نوع بازی ها:

- توپ در کشتک
- یکگل دوقل
- الک دولک

محل بازی ها:

- باغ ها، میدان های اصلی و محدوده اطراف استخرهایی مانند گلپولک

انواع بازی ها

بازی ها به ۳ دسته ورزشی، نمایشی و سرگرمی می شوند. بازی های نمایشی بدون استفاده از بازیگران حرفه ای در جشن ها و اعیاد و سرگرمی اجرایی و در نوع سرگرمی، جنبه های سرگرم کننده بر فعالیت های بدنی و نمایشی ارجحیت دارد و ورزشی نیازمند تحرک بدنی است.

تنوع بازی ها در تهران

سرگرمی	نمایشی	ورزشی
۹۵	۱۰	۱

فضای بیرون یا داخل؟

محل بازی های بومی در فضای بسته یا باز بود. بازی های بر تحرک و ویژه مردان در فضای باز مانند باغ ها، کوچه ها و میدان ها برگزار می شد و اکثر بازی های داخل فضای بسته هم مختص بانوان و دختران بود و کم تحرک محسوب می شدند. البته شرط آب و هوایی هم در تعیین فضای بازی بی تأثیر نبود.

فضای باز	فضای بسته
۸۵	۲۵

منطقه ۲۰ شهرری

نوع بازی ها:

- پنج دوک
- پنجره
- باقالی به چند من

محل بازی ها:

- باغ ها و کشتزارها و میدان های محله

منطقه ۱۸ شادآباد تا شادآباد

نوع بازی ها:

- زو
- کلاه بران
- کوشک و کوشک ملاقی
- اتلما قویش
- بازی قلاغه و تر که بازی
- آد قویدی
- توپ آقاجی و چاتارام
- قیش بازی
- لنگی اختر
- کوشک کمرک
- تاق پیل گردله

محل بازی ها:

- کوچه ها و معابر محله ها

منطقه ۵ محله کن

نوع بازی ها:

- توره (الک دولک)
- گردوبازی
- کمر بند بازی

محل بازی ها:

- باغ ها و میدان های اصلی محله

چی برای کدام سن؟

بازی های بومی - محلی برخی مشترک بودند و شامل همه سنین می شدند، اما برخی بازی ها مانند گریه خاله پیرزن در دماوند و فرشته در محدوده مرکزی شهر ویژه کودکان بود. برای نوجوانان هم بازی هایی مانند «قلعه شاه مال منه» در حاشیه تهران و گانیه (خروس جنگی) در محله های آذری به نوجوانان اختصاص داشت. بزرگسالان هم بازی های خودشان را داشتند.

بازی ویژه بزرگسالان	بازی برای کودکان	بازی کودکان و نوجوانان
۵۵ بازی	۲۱ بازی	۱۷ بازی

خانم ها یا آقایان؟

در بسیاری از بازی های بومی - محلی تأکید روی جنسیت نمی شد و تقریباً سهم دختران و زنان با مردان و پسران برابر بود، اما پرداختن به برخی بازی ها هم در توان بانوان نبود؛ به عنوان مثال، بسازی میخ طوله برای بانوان امکان پذیر نبود.

بازی خاص دختران و زنان	بازی مشترک بین آقایان و بانوان	بازی خاص آقایان و پسران
۱۱ بازی	۴۲ بازی	۳۸ بازی

برای آشنایی با شیوه و چگونگی انجام بازی ها کیو آر کد را اسکن کنید

۱۵۰ بازی بومی - محلی در یکی از برنامه های اپلیکیشن بازار معرفی شده اند. این بازی ها شامل بازی گاو و گوساله، پلان، صندلی باز، جالی و کیسه، بازی های مخصوص دختران و... می شود.

۳۰۰۰ بازی بومی - محلی در کشور وجود دارد که تاکنون ۸۸ مورد آنها در بخش میراث ناملموس ثبت جهانی شده اند.

۴۰ سال از تأسیس مؤسسه ورزش روستایی و بازی های بومی - محلی استان تهران می گذرد. این مؤسسه در خیابان حجاب واقع شده و هدفش ارائه خدمات فرهنگی ورزشی و مسابقات بازی های بومی - محلی است.

۱۰ کتاب در زمینه بازی های بومی - محلی در کشور منتشر شده که از این تعداد ۴ کتاب تخصصی برای بازی های شهرهای مختلف و یک کتاب با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان انتشار یافته است.



مجله قهرمان

معلمی که جایش خالی است!

مرحوم حسین وحیدی، با ۷۷ سال سابقه رکورددار طولانی‌ترین زمان تدریس بود

پریسا نوری

مرحوم حسین وحیدی، معلم پیشکسوتی است که با ۷۷ سال سابقه معلمي رکورددار طولانی‌ترین زمان تدریس بود. استاد وحیدی از ۱۹ سالگی در مدرسه‌ای در زادگاهش قزوین ردای معلمي پوشید و در ۵۱ سالگی پس از ۳۲ سال خدمت بازنشسته شد، اما بازنشستگی برای او بیشتر از یک حکم روی کاغذ نبود؛ چرا که تا ۹۷ سالگی و آخرین روزهای حیات بربرکتش که کهولت سن و بیماری توانی برایش نگذاشته بود، دست از آموزش نکشید و به رایگان در بوستان محله به بچه‌های محله درس می‌داد.

تاریخ تولد شاگردانش را می‌دانست

استاد وحیدی، معلمي را نه شغل که عشق می‌دانست. او که در سال‌های تدریس هزاران شاگرد از وکیل، وزیر، دکتر، معلم... را تربیت کرده بود، دفترچه‌ای داشت که شماره تلفن و تاریخ تولد بسیاری از شاگردانش را در آن نوشته و هر سال روز تولدشان را تبریک می‌گفت. روزی که برای دیدار به خانه‌اش رفته بودیم خاطره‌ای در این باره برایمان تعریف کرد: «چند سال پیش وقتی روز تولد یکی از دانش‌آموزانم به او زنگ زدم مادرش گوشی را برداشت و گفت پرسرش به خارج از کشور رفته است. او وقتی مرا شناخت و فهمید برای چه زنگ زده‌ام از خوشحالی به گریه افتاد و گفت: مگر می‌شود شما نام و تاریخ تولد بچه مرا به یاد داشته باشید؟ در جواب گفتم: «هن جوانی‌ام را پای این بچه‌ها گذاشته و مثل یک پدر مراقبشان بوده‌ام. پس طبیعی است که روز تولدشان به آنها زنگ بزنم.» بعد از مدتی همان شاگرد که موضوع را از مادرش شنیده بود به ایران آمد و مستقیم از فرودگاه به خانه‌ام آمد تا مرا ببیند.

شیرین‌ترین خاطره روز معلم

این استاد پیشکسوت که خود را پدر معنوی شاگردانش می‌دانست، همه یادگاران دوران تدریس از دست‌نوشته‌ها، کارت تبریک، عکس‌ها و کادوهای روز معلم را نگهداری می‌کرد. او شیرین‌ترین خاطره روز معلم را اینطور تعریف می‌کند: «سال‌ها پیش یکی از دانش‌آموزان روز معلم، کارت تبریکی به من داد که داخلش یک آینه چسباند بود.» گفتم: «ممنونم از کارت تبریک، ولی این آینه دیگر چیست؟» گفت: «چیزی بهتر از خودتان پیدا نکردم. آینه خریدم تا خودتان را که بهتر بینید، ببینید.»

شنبه‌های شاهنامه‌خوانی

شنبه‌های شاهنامه‌خوانی کلاس‌های زبان پهلوی استاد همیشه شلوغ است و پرپر فدار. مهناز بصیری، پرستار بازنشسته و کارشناس ارشد زبان‌های باستانی، سال‌هاست داوطلبانه بخشی از کارهای بنیاد را پیش می‌برد؛ «۱۹ سال است که با بنیاد آشنا شده و ۱۱ سال هم شاگرد استاد بودم و با آموزش‌های رایگان اینجاستوانستم زبان پهلوی را بیاموزم. الان هم در ویرایش کتاب‌ها و دیگر کارهای بنیاد با استاد همکاری می‌کنم.»



عشق به خاک

از هر قشری، تحصیلکرده، خانه‌دار، استاد دانشگاه می‌آیند و با عشق سر کلاس حاضر می‌شوند. اینها را ناهید فارسی ساکن ۷۳ ساله منطقه می‌گوید که در ۶۳ سالگی کلیمانجارو را فتح کرده است. می‌گوید: «فردوسی را می‌شناختم. در کلاس‌های شاهنامه‌خوانی استاد بیشتر با این شاعر بزرگ و خدمتی که به زبان فارسی کرده آشنا شدم. استاد جنیدی در این کلاس‌ها ذره ذره عشق به خاک و سرزمین را در وجود جوانان نهادینه می‌کند.»



مجله قهرمان

فریدون جنیدی، شاهنامه پژوه، از تلاش‌هایش برای جوانان، محله‌اش و عهد و پیمانی ۶۰ ساله می‌گوید

فرزند نیک کردار فردوسی در خیابان جلالیه

چو ایران نباشد

بنیاد نیشابور اکیخسرو، پسر اردشیر زارع، کسی که کهن‌ترین نقشه مهندسی تهران را ترسیم کرده، به او هدیه می‌دهد، وقتی می‌بیند جنیدی برای فرهنگ ایران چه‌سان دل می‌سوزاند. ساختمانی ۴ طبقه در خیابان جلالیه تهران که ۳ طبقه آن به نام استاد زده می‌شود. جنیدی می‌گوید: «این بنیاد را اکیخسرو سال ۱۳۳۰ برای سکونت خودش ساخت؛ ساختمانی مدرن با معماری روز دنیا. نخستین ساختمانی که همه طبقاتش لوله‌کشی آب و گاز داشت، آن هم زمانی که هنوز گاز به تهران نیامده بود. در یک طبقه کتابخانه و طبقه دیگر گنجینه خاطرات اردشیر زارع و... به امانت نزد جنیدی باقی مانده است.» بنیاد ۷۰ ساله نیشابور به زودی ثبت ملی می‌شود.

امانتدار ارباب زارع

فریدون جنیدی سال‌ها به‌صورت افتخاری در دانشگاه شریف، تهران، خواجه نصیر درس داده، فقط به پاس همان عهدی که سالیان پیش با خود بست. می‌گوید: «چند سالی وضع مالی‌ام بد بود. آه در بساط نداشتم. در مسافر خانه می‌خوابیدم، با این وجود هیچ‌گاه خلف وعده نکردم.»

خاطره تهران

استاد جنیدی تقی به خاطرات اردشیر زارع می‌زند، همو که مباشر ارباب جمشید (اولین بانکدار ایرانی) بود و تاریخ از او به نیکی یاد می‌کند؛ «بسیاری از زمین‌های امیرآباد را اردشیر زارع در زمان مظفرالدین شاه برای ارباب جمشید خرید. از کوچه جلالیه در بلوار کشاورز تا خیابان ۱۶ آذر را هم برای خودش خرید. جمشیدآباد را که الان به نام جمالزاده می‌شناسیم اردشیر زارع ساخت و اسمش را هم خودش گذاشت جمشیدآباد. بر اثر حسودی دشمنان و توطئه روس و انگلیس این دو از هم جدا شدند. ارباب جمشید ورشکست و زندگی‌اش نابود شد.»

سال ۱۳۴۵ در کلاس درس تاریخ با نصیبه سجادی خود عهد می‌بندد تا همه عمرش را وقف اعتلای فرهنگ ایران کند. ۵۷ سال از این عهدش گذشته و همچنان بر سر آن باقی مانده است. فریدون جنیدی، شاهنامه پژوه و استاد زبان‌های باستانی و ساکن قدیمی منطقه ۶ تهران سال‌هاست در بنیاد شاهنامه پژوهی‌اش (بنیاد نیشابور) در خیابان جلالیه با شهروندان مانوس است و با کلاس‌های رایگان آموزش زبان و جلسات شاهنامه‌خوانی در راه اعتلای فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم تلاش می‌کند.

۸۳ سال دارد؛ علاقه‌مند به فرهنگ و ادبیات ایران. درباره شاهنامه پژوهش‌ها کرده و کتاب‌ها نوشته است؛ ۳۰ جلد کتاب برای ویرایش و معرفی شاهکار فردوسی به جوانان ایرانی در ۳۰ سال. همه هم به یک دلیل و آن اینکه جنیدی راه سرفرازی ایران را در آگاهی دادن به جوانان می‌داند. می‌گوید: «فردوسی برای زنده نگه‌داشتن اندیشه، فرهنگ و زبان ایرانی ۳۰ سال زمان نهاد؛ با آنکه نان جویین بر سفره نداشت.» او هم به گفته خودش: «۳۰ سال زمان گذاشت تا ناراستی‌ها و کجی‌ها را از جای‌های شاهنامه بیاید.»

رستم پهلوان

شاهنامه کتابی حجیم و به‌دست‌گرفتنش برای یک کودک یا نوجوان سخت است؛ بنابراین تصمیم می‌گیرد یک بخش آن، یعنی رستم و سهراب را که درونش پر از قصه و روایت است خلاصه و به زبان امروزی بنویسد. می‌گوید: «حاصل زحماتم شد ۱۱ جلد کتاب از شاهکار پرغرور فردوسی تا هم کودک، نوجوان، جوان... آن را به راحتی در دست بگیرد و هم با آن ارتباط برقرار کند و از خواندنش لذت ببرد.»

زمین‌های خاکی امیرآباد

یکی از اهالی قدیمی تهران است. سال‌ها سال رویه‌روی دانشگاه تهران و امیرآباد کار و زندگی کرده است. می‌گوید: «یادم می‌آید سال ۱۳۴۰ اینجا همه خاکی و گلی بود. پارک لاله هنوز ساخته نشده بود. مردم از همه‌جای تهران برای تفریح اینجا می‌آمدند ولی کسی برای زندگی اینجا را انتخاب نمی‌کرد.»



۱۱ جلد کتاب

حاصل زحماتم شد ۱۱ جلد کتاب از شاهکار پرغرور فردوسی تا هم کودک، نوجوان، جوان... آن را به راحتی در دست بگیرد و هم با آن ارتباط برقرار کند و از خواندنش لذت ببرد.



سال ساخت بنیاد نیشابور از سوی اکیخسرو زارع است. این بنیاد ۷۰ ساله همچنان در خیابان جلالیه میزبان علاقه‌مندان به ادبیات است و به زودی ثبت ملی خواهد شد.

۱۳۳۰





بساط بلال و بستنی قیفی در تجریش

۲۰ سال زندگی در شهرک آتی ساز

مسعود فروتن، مجری و کارگردان نام‌آشنای سینما و تلویزیون ایران که از ۲۰ سال پیش در شهرک آتی ساز زندگی می‌کند، معتقد است برای آدمی که تنها زندگی می‌کند هیچ‌جا مثل شهرک‌ها امن نیست؛ چون هر کسی که وارد شهرک شود باید از نگرهبانی عبور کند و شناسایی شود. اگر وسیله‌ای خراب شد، تأسیسات شهرک آن را تعمیر می‌کند. این هنرمند پیشکسوت که متولد آمل است و دوره کودکی‌اش را در تهران گذرانده، خاطرات بسیاری از کوچه پس‌کوچه‌ها و محله‌های قدیم تهران دارد: «نخستین بار که تهران را دیدم سال ۱۳۳۳ بود. ۹ سال داشتم که همراه خانواده‌ام به تهران آمدم. دیدن خیابانی که آسفالت بود و خاکی نبود برای من خیلی جالب بود. بار دوم برای عروسی خواهرم به تهران آمدم. وقتی برای خرید کفش به سرچشمه و سپهسالار رفتم دیدم چقدر خیابان‌ها تمیز است. آدم‌ها لباس‌های شیک پوشیده‌اند. دیدن کف‌اشی‌ها و مغازه‌های دیگر که کنار هم ردیف شده بودند برای من خیلی هیجان‌انگیز بود. چندماه بعد از دماوند که محل زندگی ما بود به تهران آمدم تا خواهرم روزها تنها نباشد. این چندماه برای من پر از خاطره‌های شیرین از دیدنی‌های تهران است. بعد از ظهرها شوهر خواهرم ما را به جایی از تهران برای گردش و تفریح می‌برد. آن سال من با تعدادی تمدن آشنا شدم. نخستین بار سینما دیدم، به تئاتر رفتم و حتی غذا خوردن در بیرون از خانه را تجربه کردم. جاهای دیدنی که رفتیم در ذهن من به یادگار مانده است.»

خاطرات این هنرمند پیشکسوت از شمیران گردی هم شنیدنی است: «آخر هفته‌ها برای تفریح به شمیران و سربل تجریش می‌رفتم. یادم هست نخستین بار در تجریش بستنی قیفی خوردم. تا قبل از آن بستنی قیفی ندیده بودم و اصلاً نمی‌دانستم چطور باید آن را دستم بگیرم و بخورم. پایین بستنی را که خالی بود، گرفتم؛ طوری که بستنی از روی نان به زمین افتاد و اشکم را در آورد. البته دوباره برای من بستنی خریدند، اما این خاطره برای من ماندگار شد. تجریش محوطه وسیع و زیبایی بود. بساط گردویی و پلاکی‌ها داغ بود و صدای فروشنده‌ها فضا را پر می‌کرد. سر بل تجریش محلی برای گشت‌وگذار و هواخوری بود؛ محلی که مردم از تهران می‌آمدند تا نفسی تازه کنند.»

کشتارگاهی که فرهنگسرا شد

جوانان نازی آباد این بخت را دارند که یک پاتوق درست و حسابی داشته باشند؛ یک جایی که اسمش فرهنگسرای بهمن است؛ محلی که قبلاً کشتارگاه تهران بود و فضای نامناسب اطرافش محله را از ریخت‌انداخته بود، اما حالا بیا و ببین که به جای کشتارگاه که فقط بوی نامطبوع از آن به مشام می‌رسید، یکی از فعال‌ترین مراکز فرهنگی پایتخت فعالیت می‌کند و سینمایی با سقف متحرک را در خود جای داده است.



هدف موشک باران صدام بود

در دوره دفاع مقدس نازی آباد یکی از هدف‌های اصلی موشک‌باران‌های صدام بود. برخی هم مدعی بودند صدام و فرماندهانش قهقهه می‌زدند که خیلی از سرداران و فرماندهان جنگ و نیروهای سرنویس‌ساز جبهه‌ها از برویچه‌های نازی آباد هستند و به خیال خودشان با بمباران این محله می‌خواستند روحیه این جوانان را تضعیف کنند؛ جوانانی مثل شهید صنیع‌خانی که بزرگ‌شده نازی آباد است.



محدوده‌ای از پایتخت که پشت قباله همسر شاه قاجار بود

محله لژیونرها

پریسانوری

نازی آباد از محله‌های اصیل و قدیمی جنوب تهران است که در دهه ۳۰ شکل گرفت؛ محله‌ای که در دلش چند خرده‌محله از جمله هزار دستگانه، فرهنگیان، سهیلی، بازار اول و بازار دوم با داستان‌های متفاوت و خواندنی را جای داده است؛ اینکه در هزار دستگانه، ۹۹۹ تا واحد مسکونی ساخته شده و معلوم نیست واحد هزارم چرا ساخته نشده یا اینکه این محله را نازی‌های آلمانی ساخته‌اند. در نازی آباد اغلب کسبه و مشتری‌ها با هم آشنایی و سلام و علیک دارند و به تعبیری هنوز روح محله و بچه‌محل بودن در آن جاری است.

این مسجد را همه می‌شناسند

نازی آباد چند مسجد دارد، اما یکی از مساجدش را نه فقط اهالی که همه مردم تهران می‌شناسند. این مسجد که کلنگش در اوایل دهه ۳۰ توسط آیت‌الله کاشانی در خیابان مدائن زده شده، در مناسبت‌های مهم سیاسی و اجتماعی مثل انتخابات همیشه مورد توجه خاص رسانه‌ها بوده و به خاطر گزارش‌های زنده‌ای که از آن در تلویزیون دیدیم به چشم همه‌مان آشناست. صفوف نماز در مسجد حضرت رسول فرشته است و اگر موقع اذان برای اقامه نماز برسید، جا برای ایستادن و نماز خواندن پیدا نمی‌کنید.

چرا نازی آباد؟

اما درباره اینکه چرا اسم محله نازی آباد شده ۲ روایت وجود دارد. منوچهر والی‌زاده، صدایشه پیشکسوت در این باره می‌گوید: «روایت نخست این است که آلمانی‌ها این محله را در دوره رضاخان ساختند و نام آن را نازی آباد گذاشتند؛ در حالی که طبق اسناد این محله خیلی پیش‌تر از سرکار آمدن رضاخان به همین نام بوده؛ بنابراین این گفته درست نیست. روایت دوم که معتبر است و در کتاب‌های تاریخی هم آمده، این است که ناصرالدین شاه قاجار دل‌بسته خانمی به نام ناز خاتون می‌شود و او را به همسری می‌گیرد. از قضای روزگار این خانم در این محله عمارتی داشته و شاه هم باقی املاک و زمین‌های اطراف عمارت را پشت قباله ناز خاتون می‌اندازد. ناز خاتون این زمین‌ها را که از جنوب به دریاچه عظیم آباد می‌رسید به دست رعیت می‌دهد تا در آن کشت و زرع کنند. کم‌کم زمین‌ها رونق پیدا می‌کند و اسم ناز خاتون هم روی زبان‌ها می‌افتد و از آن روزگار به این محدوده نازی آباد می‌گویند. در دوره پهلوی اول کم‌کم زمین‌های کشاورزی نازی آباد تفکیک شد تا خانه‌ها ساخته شوند و یک محله شکل بگیرد.»



بچه‌معروف‌های نازی آباد

لاپد شما هم زیاد شنیده‌اید که خیلی از فوتبالیست‌های معروف کشور بچه نازی آباد بودند. محدوده بازار دوم قبلا همان زمین‌های خاکی معروف نازی آباد بوده که خیلی از لژیونرها و بازیکن‌های تراز اول تیم ملی فوتبال مثل فرشاد پیوس، حمید استیلی، امیر قلعه‌نویی و... در آن فوتبال بازی کرده‌اند. وقتی با چند تا از قدیمی‌های محله گپ می‌زدیم فهمیدیم خیلی از بزرگان و رجال سیاسی کشوری و لشکری بچه نازی آباد بودند و هنوز هم هستند؛ مثل سید عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری که هنوز هم بعضی وقت‌ها از بازارچه‌های معروف نازی آباد خرید می‌کند. در عالم هنر هم برای نازی‌آبادی‌ها جا هست؛ چون کسی مثل اکبر عبدی را دارند.

۴۵ میدان

در نازی آباد وجود دارد که کوچه‌ها و خیابان‌های محله حول آنها شکل گرفته‌اند. میدان‌ها سرسبزی و نشاط خاصی به این محله بخشیده است و اینجا را از دیگر محله‌ها متمایز کرده‌اند.



۴۴۳۱۸ نفر

در محله نازی آباد زندگی می‌کنند. این محله ۲۳۳ هکتاری در ناحیه ۲ منطقه ۱۶ تهران قرار دارد.





صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما از سال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس: ۲۳۰۲۲۴۵۵-۲۴۴ mahaleh@hamshahri.org

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

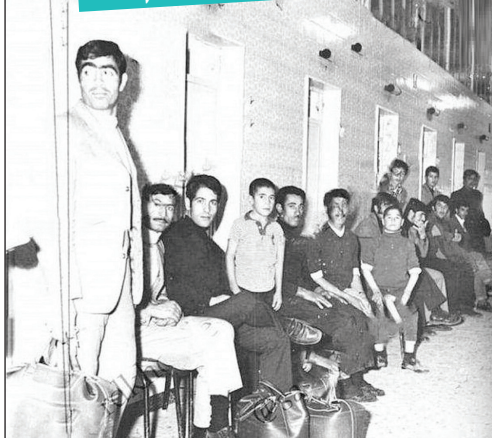


فارغ التحصیلی با کله قند روسی!



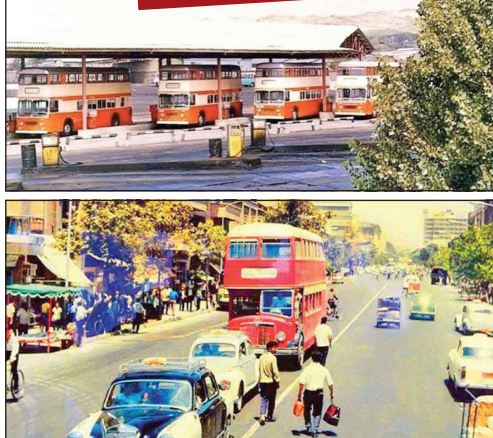
در روزگاری نه چندان دور در شهر تهران، همین قدر که بچه‌ها از پس کارهای شخصی خود برمی آمدند، راهی مکتبخانه می‌شدند که اغلب اتاق بزرگی در گوشه مسجد یا خانه مکتب دار بود. مکتب‌دارهای مرد را میرزا یا ملایانی وزن‌ها را ملایاجی می‌گفتند. «سه‌پاره»، «عم‌چیز»، «تاریخ و صاف»، «گلستان سعدی»، «جامع عباسی»، «دیوان حافظ» و «نصاب‌الصبيان فراهی» از کتاب‌های متداول آموزشی در مکتبخانه‌ها بود که پس از پایان هر کتاب، درس جدید شروع می‌شد. چند روز زودتر هم به خانواده‌ها خبر می‌دادند تا علاوه بر تهیه کتاب، برای دهان‌شیرین کنی معلم‌شان هدیه‌ای که «کله قند روسی» بود به خانه ملایاجی یا ملایاجی بفرستند. رایج‌ترین ابزار تنبیه در مکتبخانه «فلک» و ترکه‌آلبویی بود که به فراخور میزان غفلت و کوتاهی دانش‌آموز، از آن استفاده می‌شد تا درس عبرتی برای دیگر دانش‌آموزان باشد.
● بهاره خسروی

نخستین گرمابه مدرن به نیت کشور خانم!



نخستین دوش حمام در زمان ناصرالدین شاه وارد کشور شد. این حمام دوش دار را «کلنل نیگلا سمینو» در دروازه دولت راه‌اندازی کرد، اما استقبال چندانی از آن نشد تا اینکه در دوران پهلوی اول، استفاده از خزینه‌ها ممنوع شد؛ چرا که مسئولان بهداشتی، خزینه‌ها را از مرکزهای اصلی بیماری‌های واگیردار می‌دانستند. نخستین حمام نمره مدرن را سال ۱۳۲۶ فردی به نام «سلیمان سنه» تاجر به نیت همسرش «کشور خُدا»، در محله عودلجان ساخت. گویا همسر او زمانی که باردار و در یکی از گرمابه‌های محله عودلجان بود چنین‌اش سقط می‌شود. برای همین کشورخانم از همسرش می‌خواهد تا گرمابه‌ای در محله بسازد که در نوع خود بی‌نظیر باشد. این گرمابه در خیابان شهید مصطفی خمینی ۵۵هپم سال ۱۳۹۸ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد.
● ابوذر چهل امیرانی

روزگاری که اتوبوس سواران لژ نشین بودند



حدود ۳ دهه از خداحافظی اتوبوس‌های ۲ طبقه که یکی از قدیمی‌ترین ایستگاه‌های آن حوالی سهره‌افسریه بود، می‌گذرد. البته این ایستگاه، بعدها به خیابان هنگام منتقل شد. نخستین اتوبوس‌های ۲ طبقه‌ای که از انگلیس به تهران آمد قرمز رنگ و در ۴ مسیر میدان امام حسین (ع) به میدان انقلاب، دانشگاه پلیس یا زندان قصر فعلی به میدان امام خمینی (ره)، سیدخندان تا دروازه شمیران و دانشگاه علم و صنعت تا میدان امام حسین (ع) فعال بود. آن زمان برخی‌ها معتقد بودند طبقه ۲ اتوبوس به دلیل زاویه دید مناسب، مثل لژ سینماست و کسانی که طبقه دوم اتوبوس می‌نشستند لژ نشین هستند. این اتوبوس‌ها کلاچ نداشت و رانندگی با آنها خیلی آسان بود. راننده داخل یک کابین می‌نشست و شاگرد در طبقه بالا هر وقت کسی می‌خواست پیاده شود روی داشبورد ضرب می‌گرفت تا راننده ماشین را نگه دارد.
● پریسا نوری

طایفه اذون یا گلابی روسی؟



درباره نام محله اوین که در بسیاری از منابع تاریخی آمده روایت‌های متفاوتی وجود دارد. «یاقوت حموی» در کتاب معجم‌البلدان از روستایی به نام اذون در غرب شمیران نام برده است. اگرچه دیگر در میان آبادی‌های امروز شمیران اثری از نام اذون نیست اما علیرضا زمانی، تهران‌شناس می‌گوید: دکتر حسین کریمان، در کتاب «تهران در گذشته و حال» نوشته‌وازه اذون در گذر زمان به اوین و پس از آن به اوین تغییر نام داده و برای سندیت این مدعا هم شواهدی از تغییر برخی کلمات در زبان رایج اهالی شمیران ارائه کرده است. «زمانی می‌گوید: «برخی دیگر به دلیل وجود باغ‌های گلابی در این محدوده، سراغ ریشه نام اوین رفته‌اند. آنها واژه اوین را با واژه روسی «ایوا» به معنای گلابی، مرتبط دانسته‌اند. این روایت اما در منابع مکتوب اعتباری ندارد.»
● حسن حسن زاده

کوی دانشگاه تهران در مزرعه پنبه امیرکبیر



امیرآباد یا محله کوی دانشگاه فعلی را سال‌ها پیش میرزا تقی خان امیرکبیر، زمانی که برای کاشت پنبه به دنبال اراضی مطلوبی در خارج از شهر تهران بود، کشف و آباد کرد و از آن سال اینجا امیرآباد شد. جنگ جهانی دوم که شروع شد آمریکایی‌ها برای اسکان سربازان شان در امیرآباد خوابگاه‌هایی ساختند و تا پایان جنگ همانجا ماندند. آمریکایی‌ها که از ایران رفتند به پیشنهاد دانشگاه تهران واگذار و بهمن سال ۱۳۲۴، ۳۰۰ دانشجو که اغلب از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی بودند اینجا ساکن شدند در اتاق‌هایی که یک نفر به راحتی و ۲ نفر به سختی در آن زندگی می‌کردند. دانشگاه تهران بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران است که سال ۱۳۱۳ شمسی افتتاح شد.
● نصیبه سجادی